**تاثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر مدیریت سود تعهدی و واقعی**

چكيده

ﻫﺪف از اﻧﺠﺎم اﯾﻦ ﭘﮋوﻫﺶ ﺑﺮرﺳﯽ تاثیر ﻗﺎﺑﻠﯿﺖ ﻣﻘﺎﯾﺴﻪ اطلاعات حسابداري بر ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد ﺗﻌﻬﺪي و واﻗﻌﯽ ﺷﺮﮐﺘﻬﺎي ﭘﺬﯾﺮﻓﺘﻪ ﺷﺪه در ﺑﻮرس اوراق ﺑﻬﺎدار ﺗﻬﺮان ﻣﯽﺑﺎﺷﺪ قابليت مقايسه، يکی از ويژگی های کيفی منحصر به فرد اطلاعات مالی است که مفيد بودن آن را افزايش می دهد. بررسی عوامل مرتبط با مدیریت سود و ویژگی های کیفی اطلاعات از اهمیت زيادي برخوردار است. در اﯾﻦ ﭘﮋوﻫﺶ اﻃﻼﻋﺎت ﻣﺮﺑﻮط ﺑﻪ 114 ﺷﺮﮐﺖ ﭘﺬﯾﺮﻓﺘﻪ ﺷﺪه در ﺑﻮرس اوراق ﺑﻬﺎدار ﺗﻬﺮان ﻃﯽ ﺳﺎﻟﻬﺎي 1388 ﺗﺎ 1395 ﮔﺮدآوري ﺷﺪه اﺳﺖ. برای اندازه‏گيري مدیریت سود تعهدی از مدل کوتاری (2005)، برای اندازه‏گيري ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد واﻗﻌﯽ از مدل رویچودری (2006) و برای محاسبه ﻗﺎﺑﻠﯿﺖ ﻣﻘﺎﯾﺴﻪ ﺻﻮرﺗﻬﺎي ﻣﺎﻟﯽ از مدل دي ﻓﺮاﻧﮑﻮ و ﻫﻤﮑﺎران (2011) استفاده شده است. ﻧﺘﺎﯾﺞ پژوهش ﻧﺸﺎن داد ﮐﻪ قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداري تأثیر مثبت معنی­داری بر مدیریت سود واقعی دارد. در ﻣﻘﺎﺑﻞ قابلیت مقایسه تأثیر معنی­داری بر مدیریت سود تعهدی ندارد. ﺑﻨﺎﺑﺮاﯾﻦ ﻫﻨﮕﺎﻣﯽ ﮐﻪ ﻣﺪﯾﺮان اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاري ﺑﺎ ﻗﺎﺑﻠﯿﺖ ﻣﻘﺎﯾﺴﻪ ﺑﺎﻻﺗﺮي اراﺋﻪ ﻣﯽدﻫﻨﺪ، رﻓﺘﺎر آﻧﻬﺎ در ﺟﻬﺖ ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد ﺗﻌﻬﺪي ﻣﺤﺪود نشده اﻣﺎ اﻗﺪاﻣﯽ در ﺟﻬﺖ ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد واﻗﻌﯽ خواهند داﺷﺖ.

واژهﻫﺎي ﮐﻠﯿﺪي: ﻗﺎﺑﻠﯿﺖ ﻣﻘﺎﯾﺴﻪ اﻃﻼﻋﺎت ﺣﺴﺎﺑﺪاري، ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد ﺗﻌﻬﺪي، ﻣﺪﯾﺮﯾﺖ ﺳﻮد واﻗﻌﯽ.

**مقدمه**

تصمیم­گیری استفاده­کنندگان همواره شامل انتخاب بین فرصت­های جایگزین می­باشد. در نتیجه، اطلاعات یک واحد گزارشگر زمانی سودمندتر خواهد بود که بتوان آن­ها را با اطلاعات مشابه سایر واحدها و با اطلاعات مشابه همان واحد برای دوره­های دیگر مقایسه نمود. قابلیت مقایسه یکی از خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با ارائه اطلاعات است که بر مفید بودن اطلاعات می­افزاید. طبق بیانیه شماره 8 هیئت استانداردهای حسابداری مالی[[1]](#footnote-1) و چارچوب مفهومی گزارشگری مالی هیئت استانداردهای حسابداری بین­المللی[[2]](#footnote-2)، قابلیت مقایسه، قابلیت تائید، به موقع بودن و قابل فهم بودن ویژگی­های کیفی هستند که سودمندی اطلاعاتی را که مربوط هستند و به طور صادقانه ارائه شده­اند را افزایش می­دهند [8].

از سویی دیگر سود نقش مهمي در اداره شركت دارد و معمولاً استفاده كنندگان صورت­هاي مالي اهميت زيادي براي آن قائلند. از آنجا كه محاسبه­ي سود بنگاه اقتصادي متاثر از روش­هاي برآوردي حسابداري است و تهيه­ي صورت­هاي مالي به عهده­ي مديريت واحد تجاري است، ممكن است بنا به دلايل مختلف، مديريت اقدام به مديريت سود نمايد. در ادبیات حسابداری، متداولترین روش­ها برای مدیریت کردن سود، مدیریت سود تعهدی و دستکاری فعالیت­های واقعی یا همان مدیریت واقعی سود می­باشد [2]. مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران از اختیارات گزارشگری و یا از نفوذ و تاثیرگذاری خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه­گذاری و تأمین مالی استفاده می­کنند تا به یک گزارش مطلوب دست یابند [16]. مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی استفاده از اقلام اختياري مجاز در حسابداری و گزارشگری به منظور دستیابی به اهداف مهم است [18].

انتظار می‌رود فعالیت‌های مدیریت اقلام تعهدی اختیاری زمانی که شرکت مورد نظر با شرکت‌های هم صنعت خود قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشد، محدودتر شود. اگر گزارش حسابداری یک شرکت قابلیت مقایسه بیشتری را با شرکت‌های موجود در صنعت خود داشته باشد، هزینه فعالان خارج از شرکت (به طور مثال سهامداران، اعتباردهندگان، قانون‌گذاران) به منظور جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات حسابداری شرکت‌های مشابه کمتر می‌شود. در نتیجه آن‌ها می‌توانند کارایی شرکت را به طور دقیق‌تری ارزیابی کنند؛ زیرا اطلاعات حسابداری شرکت‌های با قابلیت مقایسه بیشتر، مقادیر ارزشمندتری، به عنوان ورودی فرآیند تجزیه و تحلیل هستند. به عبارت دیگر، اطلاعات حسابداری یک شرکت برای تحلیل­گران زمانی شفاف‌تر است که قابلیت مقایسه آن افزایش یابد. نتیجه این حالت باعث کاهش فعالیت‌های مدیریت اقلام تعهدی اختیاری مدیریت می‌شود [26].

همچنین انتظار می‌رود که فعالیت‌های مدیریت سود واقعی با افزایش قابلیت مقایسه حسابداری افزایش پیدا کند. مطالعات گذشته نشان داده که شرکت‌هایی که با محدودیت در مدیریت اقلام تعهدی اختیاری مواجه می‌شوند به منظور رسیدن به سود مورد نظر به سمت مدیریت سود واقعی می‌روند. به طور مشخص‌تر مدیریت زمانی که توانایی استفاده از مدیریت سود تعهدی را در اثر افزایش قابلیت مقایسه شرکت از دست می‌دهد سعی می‌کند از طریق مدیریت سود واقعی به اهداف خود برسد [12-13-17].

با توجه به توضيحات فوق، پژوهش حاضر با بررسی تاثیر قابلیت مقایسه صورت­های مالی بر مدیریت سود، به ادبیات حسابداری در زمینه مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت­های مالی کمک می­نماید. انتظار بر این است که در شرکت­های با قابلیت مقایسه بیشتر مدیریت سود واقعی افزایش و مدیریت سود تعهدی کاهش یاید.

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

**قابلیت مقایسه حسابداری:**

بر اساس چارچوب مفهومي مشترك هيئت استانداردهاي حسابداري مالي آمريكا و هيئت استانداردهاي حسابداري بين المللي، قابليت مقايسه يكي از ويژگي هاي كيفي ارتقاء دهندةكيفيت به شمار مي­رود و اين گونه تعريف مي­شود: «ويژگي كيفي اطلاعات است كه استفاده­كنندگان را قادر به شناسايي شباهت­ها و تفاوت­هاي بين دو مجموعه از پديده­هاي اقتصادی می­کند». براي اينكه مقايسة اطلاعات امكان­پذير شود، موضوعات مشابه بايد مشابه باشند و موضوعات متفاوت بايد متفاوت به نظر برسند. از نظر دو هيئت، اگر بتوان اطلاعات يك واحد تجاري را با اطلاعات واحدهاي تجاري ديگر و اطلاعات مشابه همان واحد تجاري در دوره يا مقاطع زماني ديگر مقايسه كرد، اين اطلاعات مفيدتر خواهد بود. كميتة تدوين استاندارد­هاي حسابداري ايران بخش اول را «هماهنگی رویه» مي­نامد و بخش دوم را «ثبات رویه» می­نامد و اين دو را ابزاري براي دستيابي به قابليت مقايسه مي­داند [4].

**مدیریت سود:**

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب­های مالی مشخص نمی­باشد، ولی تفاوت­های مفهومی آشکاری میان فعالیت­های حسابداری متقلبانه و قضاوت­ها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می­گیرند، وجود دارد و از آن­ها می­توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود [9]. مدیریت سود هنگامی اتفاق می­افتد که مدیران قضاوت­هایی را در گزارشگری مالی و ساختار معاملات، جهت تغییر گزارشگری مالی، استفاده کنند و این اقدام آن­ها یا با هدف گمراه کردن سهامداران می­باشد یا با هدف تأثیرگذاري بر قراردادهایی است که وابسته به اعداد حسابداری هستند [19]. شیپر [24] مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد تحصیل سود، تعریف کرد. همچنین ماگرات و ولد [21] بیان کردند که رویه­های مدیریت سود به این جهت طراحی شدند که به مدیران کمک کند که وظایفشان را نسبت به سهامداران انجام دهند یا سرمایه­گذاران را فریب دهند [7].

**مدیریت سود تعهدی:**

مدیریت سود تعهدی شامل انتخاب­های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری است که در تلاش است عملکرد اقتصادی واقعی را مبهم نشان دهد [14]. اقلام تعهدی به دو قسمت اختیاری و غیراختیاری تقسیم می­شوند. اقلام تعهدی اختیاری آن دسته از اقلام تعهدی هستند که تحت کنترل مدیریت می­باشند و به راحتی هدف دستکاری واقع می­شوند در حالی که اقلام تعهدی غیراختیاری تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نمی­باشند [2].

**مدیریت سود واقعی:**

مدیریت سود واقعی به عنوان گذر از رویه­های عملیاتی عادی با هدف رسیدن به اهداف سود کوتاه­مدت است [23]. مدیریت سود واقعی از طرق مختلفی به وجود می­آید که عبارتند از دستکاری هزینه­های اختیاری [23]، تولید اضافی [28]، تخفیفات قیمتی فروش [30]، تغییر زمان فروش دارایی­ها [18] که همگی با هدف افزایش سود شركت انجام می­شود [7].

**پیشینه خارجی**

سون [26] در پژوهشی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر مدیریت سود پرداخت. وی این موضوع را مورد بررسی قرار داد که آیا فعالیت­های فرصت طلبانه مدیر در خصوص مدیریت سود، تحت تاثير قابلیت مقایسه حسابداری آن شرکت­ها با شرکت­های دیگر هستند و این تأثیر چگونه است. یافته­های این پژوهش نشان می­دهد با افزايش ميزان قابلیت مقایسه حسابداری شرکت­ها با شرکت­های دیگر، مدیریت سود واقعی به وسیله مدیر افزایش می­یابد و این در حالی است که مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی کاهش می­یابد. وی همچنین نشان داد که رفتار فرصت طلبانه مدیر در مدیریت سود واقعی که با مواجهه با قابلیت مقایسه بالاتر روی می­دهد، هنگامی که محیط اطلاعاتی شرکت­ها و یا کیفیت حسابرسی آن­ها بهتر است، کاهش می­یابد.

شین و همکاران [25]، در پژوهشی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بر ارزشیابی عرضه‌های فصلی سهام، مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد شرکت‌هایی که سهام را به‌صورت فصلی عرضه می‌کنند و دارای تجربه قابلیت مقایسه بهتری هستند، در زمان عرضه سهام فصلی، قیمت‌های خود را پایین نمی‌آورند. همچنین دریافتند قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث تضعیف توانایی مدیریت جهت فروش سهام می‌شود. درنهایت، یافته‌های این پژوهش شواهدی عملی در حمایت از کارایی‌های تصمیم‌گیری‌ها در نتیجه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ارائه نمود.

چن و همکاران [11]، در پژوهشی به بررسی این سؤال پرداختند که آیا زمانی که صورت‌های مالی شرکت‌های موردنظر نسبت به شرکت‌های مشابه در صنعت قابلیت مقایسه بیشتری نشان دهد، باعث می‌شود که استفاده‌کنندگان تصمیمات بهتری در مورد خرید سهام اتخاذ نمایند؟ آن‌ها دریافتند زمانی که صورت‌های مالی موردنظر قابل مقایسه‌تر هستند، بازده سه روز خريداران و سودمندی خريد بیشتر و همچنین کارایی عملیاتی پس از خريد بهتر می‌باشد. درنهایت با توجه به شواهد و مدارک جمع‌آوری‌شده نشان دادند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا تصمیمات سرمایه‌گذاری بهتری اتخاذ نمایند و درنتیجه تخصیص کاراتر سرمایه‌ها رشد یابد.

دیفرانکو و همکاران [15]، دریافتند که قابلیت مقایسه سود درون یک صنعت، به صورت مثبت با دقت پيش بيني تحلیل­گران مرتبط است و به صورت منفی با خوش بینی و پراکندگی تحلیل­ها در مورد پیش­بینی سودها ارتباط دارد. آن­ها همچنین نشان دادند که برای یک مجموعه از شرکت­ها، وجود اطلاعات قابل مقایسه، هزینه دستیابی به اطلاعات را کاهش می­دهد و کمیت و کیفیت کلی اطلاعات موجود در مورد شرکت­ها را افزایش می­دهد. همچنین این امکان را فراهم می­سازد که تحلیلگران عملکرد تاریخی شرکت­ها را بهتر توضیح دهند.

**پیشینه داخلی**

در ایران پژوهش های اندکی در زمینه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی انجام شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

مهرورز و مرفوع [8]، در پژوهشی با عنوان رابطه بین قابلیت مقایسه صورت­های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی، به تبیین رابطه بین قابلیت مقایسه صورت­های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی و همچنین نقش قابلیت مقایسه صورت­های مالی در انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت و اطلاعات سودهای مربوط به صنعت در قیمت سهام دوره جاری پرداختند. آن­ها با استفاده از اطلاعات 85 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره 1386 لغایت 1389 به تجزیه و تحلیل فرضیات پرداختند. بر اساس یافته­های پژوهش، بین قابلیت مقایسه صورت­های مالی و آگاهی بخشی قیمت سهام رابطه مثبت وجود ندارد و قابلیت مقایسه صورت­های مالی به انعکاس اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت و انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت در قیمت سهام دوره جاری کمک نمی­کند.

فروغی و قاسم زاد [5] به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت­های مالی بر همزمانی قیمت سهام پرداختند. همزمانی قیمت سهام معیاری است که به‌طور معکوس برای سنجش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام استفاده می‌شود. در راستای هدف پژوهش تعداد 86 شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1385 تا 1392، به عنوان نمونۀ آماری انتخاب شد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی و نیز آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده گردید. نتایج گویای آن است که قابلیت مقایسۀ صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد در شرکت‌هایی با همزمانی کمتر، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر است. بر مبنای این یافته‌ها چنین استدلال می‌شود که قابلیت مقایسۀ صورت‌های مالی باعث می‌شود تا میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت‌های سهام منعکس شود.

فروغی و قاسم زاد [4]، به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت­های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی پرداختند. ضریب واکنش سود‌های آتی به‎منزلۀ معیاری برای اندازه‌گیری محتوای اطلاعاتی قیمت‌های جاری سهام از سود‌های آتی به‎کار می‎رود. جامعۀ آماری این پژوهش، شامل کلیۀ شرکت‌های پذیرفته‎شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به‎منظور دستیابی به هدف پژوهش، 80 شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‎شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1381 تا 1392 برای نمونۀ آماری انتخاب شدند. به‎منظور تجزیه‎وتحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی بهره برده می‎شود. یافته‌های پژوهش نشان می‎دهد قابلیت مقایسۀ صورت‌های مالی ضریب واکنش سود‌های آتی را افزایش می‌دهد. بر اساس نتایج، قابلیت مقایسه سبب می‌شود میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت‌های جاری سهام منعکس شود.

پورعبداله صوفحسن و همکاران [3]، پژوهشی را باهدف بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام انجام دادند. در این پژوهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با استفاده از مدل دیفرانکو [15]، در سطح هر صنعت به‌صورت جداگانه اندازه‌گیری شد. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بودند که با روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، 80 شرکت در نمونه آماری پژوهش قرار گرفتند. دوره زمانی پژوهش سال‌های 1382 تا 1390 بود. برای آزمون فرضیه‌های صورت‌بندی شده از همبستگی پیرسون و تجزیه‌وتحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام تأثیر ندارد.

**فرضيه هاي پژوهش**

فرضیه اول: قابلیت مقایسه حسابداری تأثیر منفی معنی­داری بر مدیریت سود تعهدی دارد.

فرضیه دوم: قابلیت مقایسه حسابداری تأثیر مثبت معنی­داری بر مدیریت سود واقعی دارد.

**روش پژوهش**

پژوهش از جنبه روش، توصیفی و از جنبه هدف، کاربردی است. این پژوهش از جنبه زمانی، پس­رویدادی است که در آن داده­ها از طریق بررسی گزارش­های مالی حسابرسی شده جمع آوری می شوند. پژوهش از جنبه روش گردآوری داده­ها و اطلاعات از نوع کتابخانه­ای است. داده­های مورد نیاز برای آزمون فرضیه­های پژوهش از طریق صورت­های مالی حسابرسی شده و اطلاعات مندرج در سامانه­های اطلاعاتی موجود در سازمان بورس و اوراق بهادار قابل استخراج می­باشند. برای ذخیره سازی داده­های خام گردآوری شده و همچنین تهیه داده­های نهایی از نرم افزار اکسلاستفاده می شود.

پژوهش از جنبه روش تحلیل، رگرسیونی است که در آن رابطه بین چند متغیر مورد بررسی قرار می­گیرد. تحلیل آماری در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه می­شود. در تحلیل­های استنباطی، برای آزمون فرضیه­­های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره داده­های ترکیبی استفاده می­شود. برای این منظور، آزمون­های تشخیصی الگوی رگرسیون بر اساس آزمون لیمر و هاسمن صورت پذیرفته و پس از انتخاب الگوی مناسب، مدل مورد نظر برازش می­شود. برای اظهارنظر نسبت به مدل برازش شده، مواردی مانند معنی­داری مدل، معنی­داری ضرایب متغیرها، ضریب تعیین مدل و عدم خودهمبستگی باقیمانده­ها بررسی می­شوند. در ضمن مواردی مانند همبستگی، همخطی و مانایی متغیرها جهت حصول اطمینان از درستی روابط آزمون می­شود.

**جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه:**

جامعه آماری پژوهش، شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی 8 ساله از سال 1388 تا سال 1395 می­باشد. انتخاب شرکت­های نمونه به روش حذفی سیستماتیک با منظور کردن شرایط زیر انجام می­شود:

1. قبل از سال 1388 در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و تا انتهای سال 1395 از لیست بورس اوراق بهادار تهران حذف نشده باشند.

2. طی دوره زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

3. سال مالی آن­ها به پایان اسفندماه ختم شود.

4. سهام آنها توقف معاملاتی متوالي بیش از 6 ماه نداشته باشند.

5. جزء بانک­ها، موسسات مالی، شرکت­های سرمایه­گذاری، هلدینگ­ها، لیزینگ و بیمه نباشند.

6. از آﻧﺠﺎ ﻛﻪ ﻣﺘﻐﻴﺮ ﻣﺴﺘﻘﻞ ﭘﮋوﻫﺶ در ﺳﻄﺢ ﺻﻨﻌﺖ ﺗﻌﺮﻳﻒ و ﻣﺤﺎﺳﺒﻪ ﺷﺪه است، ﺗﻨﻬﺎ ﺻﻨﺎﻳﻌﻲ در ﻧﻈﺮ ﮔﺮﻓﺘﻪ مي شوند ﻛﻪ ﺣﺪاﻗﻞ اﻃﻼﻋﺎت 6 ﺷﺮﻛﺖ از آﻧﻬﺎ ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﻣﻌﻴﺎرﻫـﺎي ﭘـﮋوﻫﺶ در دﺳﺘﺮس ﺑﺎﺷﺪ.

ﺑﻪ اﻳﻦ ﺗﺮﺗﻴﺐ اﻃﻼﻋﺎت 114 ﺷﺮﻛﺖ در ﺷﺶ ﺻﻨﻌﺖ ﺗﺤﺖ ﺑﺮرﺳﻲ ﻗـﺮار ﮔﺮﻓﺘﻨـﺪ.

**ﻣﺘﻐﻴﺮﻫﺎ و ﻣﺪلﻫﺎي ﭘﮋوﻫﺶ**

در اين بخش از مقاله، ﻣﺪلﻫﺎي ﻗﺎﺑﻠﻴﺖ ﻣﻘﺎﻳﺴﺔ ﺣﺴﺎﺑﺪاري، ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳـﻮد ﺗﻌﻬـﺪي، ﻣـﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳـﻮد ﻧﻘﺪي و ﻣﺪل آزﻣﻮن ﻓﺮﺿﻴﻪ ﻫﺎي ﭘﮋوﻫﺶ و ﻣﺘﻐﻴﺮﻫﺎي آﻧﻬﺎ ﺷﺮح داده ﻣﻲ ﺷﻮﻧﺪ.

از مدل چارلی سون [26] طبق رابطه (1) برای آزمون فرضیه ها استفاده می­شود:

رابطه (1)

EM، مدیریت سود؛ M4-CompAcct قابلیت مقایسه صورت­های مالی؛ Size، اندازه شرکت؛ BM، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت، ROA، بازده دارایی­ها؛ LEV، اهرم مالی؛ CFOA، جریان وجه نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی­های دوره قبل؛ StdSales، انحراف معیار فروش پنج سال گذشته شرکت؛ Loss، متغیر مجازی زیان شرکت؛ RET، بازده سالانه سهام شرکت؛ INST، نسبت سهام در دست سهامداران نهادی به کل سهام شرکت.

که در آن:

**متغیر وابسته: مدیریت سود**

EM: به دو روش مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی محاسبه می­شود.

مدیریت سود تعهدی: برای محاسبه مدیریت سود تعهدی به صورت زیر عمل می­کنیم:

برای محاسبه این شاخص با استفاده از مدل کوتاری [20] بخش غیرعادی اقلام تعهدی یا اقلام تعهدی اختیاری طبق رابطه (2) محاسبه می‌شود.

رابطه (2)

TAC: کل اقلام تعهدی که برابر سود عملیاتی منهای جریان وجه نقد عملیاتی

∆sales: تغییرات فروش شرکت است.

PEE: ارزش ماشین­آلات، وسایل و تجهیزات

ROA: بازده دارایی ها

A: کل دارایی ها

اقلام تعهدی غیراختیاری از طریق رابطه (3) محاسبه شده و از کم کردن این مقدار از TAC (کل اقلام تعهدی) مقدار DAC (اقلام تعهدی اختیاری) محاسبه می­شود که شاخصی برای مدیریت سود تعهدی است.

رابطه (3)

مدیریت سود واقعی: از جریان­های نقدی عملیاتی غیر عادی به عنوان عاملی برای افزایش فروش و هزینه­های اختیاری غیر عادی به عنوان عاملی برای کاهش هزینه­های اختیاری و به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی استفاده می­شود.

نخست با استفاده از رابطه (4) به تبعیت از ریچودری [23]، جریان­های نقدی عادی عملیاتی محاسبه می­شود:

رابطه (4)

که در آن:

CFO: بیانگر جریان­های نقدی حاصل از فعالیت­های عملیاتی است که به طور مستقیم از صورت جریان وجه نقد قابل استخراج است.

AvAseets: بیانگر متوسط کل دارایی­هاست که از تقسیم مجموع دارایی­های ابتدا و پایان دوره بر عدد 2 بدست می­آید.

∆Sales: بیانگر تغییر در درآمد حاصل از فروش عملیات طی یک سال مالی که از تفاوت فروش پایان دوره با اول دوره به دست می­آید.

سطح نرمال هزینه­های اختیاری برای شرکت­ها از طریق رابطه (5) محاسبه می­شود:

رابطه (5)

که در آن:

DISX: بیانگر هزینه­های عمومی، فروش شرکت است که از صورت سود و زیان قابل استخراج خواهد بود.

سپس برای محاسبه هزینه­های اختیاری غیرعادی باید هزینه­های اختیاری واقعی از سطح نرمال هزینه­های اختیاری کسر شود. سطح نرمال هزینه­های اختیاری با استفاده از ضرایب رگرسیون رابطه (5) برآورد می­شود.

**متغیر مستقل: قابلیت مقایسه صورت­های مالی**

متغیر مستقل این پژوهش M4-CompAcct است که میانگین چهار مقدار بزرگ قابلیت مقایسه حسابداری برای هر شرکت است.

به منظور اندازه­گیری مقدار قابلیت مقایسه حسابداری بین شرکت­­ها، دی فرانکو و همکاران [15] از خروجی سیستم حسابداری استفاده کردند. اگر سیستم حسابداری برای دو شرکت شبیه به هم باشد، خروجی گزارش شده (از جمله سود و ارزش بازار به ارزش دفتری) در شرایط و اتفاقات یکسان اقتصادی شبیه به هم است. آن­ها بازده سهام و سود شرکت را به عنوان خلاصه­ای از وضعیت اقتصادی و خروجی حسابداری در نظر گرفتند. با پیروی از دی فرانکو و همکاران [15] رابطه (6) برای شرکت i در سال t تخمین زده می­شود که ضرایب α و β به عنوان مشخصه­های سیستم حسابداری شرکت i در نظر گرفته می­شوند. این مقدار برای هر سال محاسبه می­شود.

رابطه (6)

که در آن Earning سود فصلی قبل از بهره و مالیات است که به ارزش بازار سهام شرکت استاندارد شده است. Return بازده سهام شرکت در طول فصل است. برای بدست آوردن ضرایب از داده­های 16 فصل قبل شرکت استفاده می­شود. برای شرکت j نیز به صورت مشابه مقادیر و برآورد می­شود. حال برای محاسبه قابلیت مقایسه حسابداری شرکت i با استفاده از رابطه (7) و رابطه (8) سود پیش­بینی شده دو شرکت i و j توسط بازده سهام شرکت i را محاسبه می­کنیم:

رابطه (7)

رابطه (8)

هرچه دو سیستم حسابداری قابل مقایسه­تر باشد، اختلاف این دو سود پیش­بینی شده کمتر است. قابلیت مقایسه حسابداری بین شرکت­های i و j به صورت رابطه (9) تعریف می­شود. چون از اطلاعات فصلی چهار سال قبل استفاده می­شود درنهایت با 16 استاندارد می­شود.

رابطه (9)

مقدار رابطه (9) برای هر دو شرکت i و j موجود در صنایع مختلف که توسط کد دو رقمی استاندارد صنعت[[3]](#footnote-3) دسته­بندی شده­اند، برای هر سال محاسبه می­شود.

پس از محاسبه تمام مقادیر برای هر شرکت، از میانگین چهار مقدار بزرگتر متغیر CompAcct متغیر M4-CompAcct بدست می­آید. همچنین متغیر Ind-CompAcct میانه صنعت برای هر سال است.

**متغیرهای کنترلی:**

اندازه شرکت (Size): برابر لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت است.

بررسی­ها نشان می­دهند که شرکت­های بزرگ با انگیزه­ی کاهش هزینه­های سیاسی و شرکت­های کوچک با انگیزه­ی اجتناب از گزارش زیان اقدام به مدیریت سود می­کنند [1].

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کل شرکت (BM)

بادرسشر [10] نشان داد زمانی که ارزش دفتری به ارزش بازار شركت افزایش می‌یابد، مدیریت به منظور جلوگیری از افشای دستکاری‌های خود به علت اعمال مدیریت سود در دوره‌های قبلی، اقدام به کاهش مدیریت سود و اصلاح اقلام تعهدی دستکاری شده می‌کند، بنابراین با کاهش ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، مدیریت سود نیز کاهش می‌یابد.

بازده دارایی­های شرکت (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به کل دارایی­های شرکت.

سان و راث [27] نشان دادند که شرکت‌های با عملکرد مالی ضعیف تر (بازده دارایی به عنوان معیار عملکرد مالی شرکت استفاده می‌شود) بیشتر اقدام به مدیریت سود می‌کنند زیرا شرکت‌های با عملکرد ضعیف به احتمال زیاد با مشکلات مالی رو به رو هستند و بنابراین مدیریت با استفاده از مدیریت سود سعی در بهتر نشان دادن وضعیت شرکت دارد تا از طریق دستکاری سود، هزینه بدهی شرکت را کاهش دهد. بنابراین رابطه‌ای منفی بین بازده دارایی شرکت و مدیریت سود وجود دارد.

اهرم مالی (Lev): نسبت بدهی به دارایی شرکت

یکی از راهکارهایی که اعتباردهندگان جهت ارزیابی توان پرداخت اصل و بهره وام به آن توجه می­کنند، بررسی صورت­های مالی شرکت­ها است. در این میان صورت سود و زیان و به ویژه رقم سود قبل از بهره از اهمیت خاصی برخوردار است [6].

جریان وجه نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی های دوره قبل (CFOA)

یوون و میلر [29] نشان دادند زمانی که جریان وجوه نقد عملیاتی شرکتی ضعیف است، مدیریت با استفاده از اقلام تعهدی سعی در اصلاح این ضعف کرده تا با هزینه بالای بدهی مواجه نشوند. بنابرین جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت اثری منفی بر مدیریت سود شرکت دارد.

انحراف معیار فروش 3 سال گذشته شرکت (StdSales)

مدیریت در شرکت های با نوسانات فروش بالا به منظور کاهش این نوسانات (که موجب کاهش ریسک شرکت می گردد و کاهش ریسک شرکت منجر به کاهش هزینه بدهی می گردد) از دستکاری اقلام تعهدی و یا عملیات واقعی شرکت استفاده می کنند. در نتیجه می­توان گفت که شرکت های با نوسان بالای فروش بیشتر از مدیریت سود استفاده می کنند.

LOSS: متغیر مجازی برای زیان شرکت که اگر شركت زيان خالص داشته باشد برابر یک است و در غیر این صورت برابرصفر است.

بازده سالانه سهام شرکت (RET)

دیچاو و همکاران [14] بیان می‌کنند که کاهش سود شرکت و ضرر و یا بازده منفی سهام شرکت ممکن است سیگنالی منفی به افراد خارج از شرکت از جمله سهامداران، وام دهندگان مخابره ‌کند که این امر باعث افزایش هزینه بدهی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت می‌گردد، بنابراین مدیران برای جلوگیری از افزایش هزینه سرمایه خود، در مواجهه با ضرر و یا بازده منفی سهام، اقدام به مدیریت سود شرکت می‌کنند.

سهامداران نهادی (INST): برابر نسبت سهام سهامداران نهادی به کل سهام منتشر شده است.

توانایی مدیران جهت مدیریت فرصت طلبانه سود گزارش شده از طریق نظارت موثر خارجی ذینفعانی نظیر سرمایه­گذاران نهادی محدود می­شود. سرمایه­گذاران نهادی، فرصت، منابع و توانایی نظارت بر مدیران را دارند. اگر سهام برای مدت طولانی نگهداری شود، سرمایه­گذاران نهادی به سودآوری اصلی شرکت­ها توجه کرده و از این رو بر عملکرد مدیریت نظارت می­نمایند [22].

**ﯾﺎﻓﺘﻪﻫﺎي ﭘﮋوﻫﺶ**

## آمار توصيفي متغيرهاي پژوهش

به منظور بررسي و تجزيه و تحليل اوليه داده‌ها، آماره‌هاي توصيفي متغيرهاي مورد مطالعه محاسبه و در نگاره (1) ارائه شده است. اين نگاره شامل اطلاعات مربوط به ميانگين، ميانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر داده‏ها مي­باشد.

## نگاره 1- آمار توصيفي متغيرهاي پژوهش

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| حداکثر | حداقل | انحراف معیار | میانه | میانگین | تعداد مشاهدات | متغیر |
| 88/3 | 00/0 | 31/0 | 02/0 | 12/0 | 456 | مدیریت سود تعهدی |
| 08/0 | 06/0- | 01/0 | 00/0 | 00/0 | 456 | مدیریت سود واقعی |
| 75/18 | 39/67- | 02/4 | 13/0 | 21/0- | 1679 | قابلیت مقایسه |
| 15/19 | 53/10 | 48/1 | 07/14 | 26/14 | 456 | اندازه شرکت |
| 33/2 | 10/4- | 45/0 | 42/0 | 40/0 | 456 | نسبت ارزش دفتری به بازار |
| 64/0 | 65/0- | 16/0 | 09/0 | 12/0 | 456 | بازده داراییها |
| 32/2 | 09/0 | 25/0 | 61/0 | 63/0 | 456 | اهرم مالی |
| 15/1 | 28/0- | 16/0 | 11/0 | 13/0 | 456 | جریان وجه نقد عملیاتی |
| 25/1 | 01/0 | 13/0 | 11/0 | 14/0 | 456 | انحراف معیار فروش |
| 00/1 | 00/0 | 36/0 | 00/0 | 15/0 | 456 | متغیر زیاندهی |
| 06/8 | 81/0- | 16/1 | 19/0 | 61/0 | 456 | بازده سهام |
| 13/96 | 00/0 | 29/26 | 02/73 | 80/64 | 456 | سهامداران نهادی |

## منبع: یافته های پژوهش

مدیریت سود تعهدی و واقعی متغیرهای وابسته پژوهش هستند و هر چه مقدار آنها به صفر نزدیک تر باشد بیانگر مدیریت سود کمتر است. میانگین این دو متغیر برابر است با 11540/0 و 00012/0. متغیر مستقل نیز قابلیت مقایسه صورت­های مالی می باشد. میانگین به دست آمده برای این متغیر برابر 2077/0-می‏باشد. متغیرهای کنترلی نیز در نگاره (1) ارائه شده و آمار توصیفی آنها آمده است. متغیرهای کنترلی پژوهش در نگاره (1) شامل متغیرهای اندازه شرکت تا متغیر سهامداران نهادی می‏باشد. میانگین هر متغیر کنترلی نشان دهنده مقدار متوسط آن در نمونه پژوهش است. میانگین اندازه شرکتهای نمونه مورد بررسی برابر 25/14 است که لگاریتم کل دارایی ها می باشد. میانگین نسبت ارزش دفتری به بازار برابر 401/0، میانگین بازده داراییها برابر 119/0، میانگین اهرم مالی برابر 626/0، میانگین جریان وجه نقد عملیاتی برابر 127/0، میانگین انحراف معیار فروش برابر 143/0، میانگین متغیر زیاندهی برابر 153/0، میانگین بازده سهام برابر 611/0 و میانگین سهامداران نهادی برابر 8/64 درصد است.

## آزمون فرضيه­هاي پژوهش

## آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: قابلیت مقایسه حسابداری تأثیر منفی معنی­داری بر مدیریت سود تعهدی دارد.

نتايج حاصل از آزمون­هاي چاو و هاسمن برای انتخاب مدل مناسب در نگاره (2) ارائه شده است.

## نگاره 2- نتايج آزمون‌ انتخاب نوع مدل فرضیه اول

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| آزمون | آماره آزمون | معناداري | انتخاب مدل |
| آزمون چاو | 01/1 | 42/0 | اثرات مشترک |
| آزمون هاسمن | --- | --- |

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نگاره (2) و نتیجه آزمون چاو مدل اثرات مشترک براي این فرضيه انتخاب مي‌شود. بنابراین دیگر نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست. نتايج حاصل از آزمون بر اساس مدل اثرات مشترک در نگاره (3) ارائه شده است.

## نگاره 3- نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون فرضیه اول

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغيرها | ضرايب | آماره t | معناداري |
| قابلیت مقایسه | 456/0 | 689/0- | 390/0 |
| اندازه شرکت | 364/33 | 360/1 | 041/0 |
| نسبت ارزش دفتری به بازار | 250/16 | 649/2 | 009/0 |
| بازده داراییها | 896/3 | 360/2- | 070/0 |
| اهرم مالی | 365/11 | 984/1 | 005/0 |
| جریان وجه نقد عملیاتی | 024/19 | 010/2 | 001/0 |
| انحراف معیار فروش | 365/34 | 046/2 | 060/0 |
| متغیر زیاندهی | 143/89 | 469/1 | 080/0 |
| بازده سهام | 045/22 | 956/0 | 143/0 |
| سهامداران نهادی | 210/746 | 986/2 | 00/0 |
| مقدار ثابت | 698/1 | 468/2 | 00/0 |
| AR(1) | 099/1 | 771/2 | 00/0 |
| آماره F: 2/146 | | معناداري آماره F: 000/0 | |
| ضريب تعيين: 485/0 | | دوربين- واتسون: 98/1 | |

منبع: یافته های پژوهش

همان­طور که درنگاره (3) ملاحظه مي‌شود، مقدار معناداری آماره F برابر 000/0 و کمتر از سطح خطای آزمون بوده و بيانگر اين است که مدل رگرسيون برآورد شده، در کل معنادار است.

سطح معناداری ضریب متغير مستقل قابلیت مقایسه برابر 390/0 و بیش از سطح خطای آزمون است. در نتیجه در سطح اطمینان 95 درصد معنادار نبوده و قابليت مقايسه تاثير معناداری بر مدیریت سود واقعی ندارد. در نتیجه فرضیه اول پذیرفته نمی­شود.

از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به بازار، اهرم مالی، جریان وجه نقد عملیاتی و سهامداران نهادی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود واقعی دارند و سایر متغیرهای کنترلی معنادار نیستند.

همچنين در اين مدل ضريب تعيين برابر 485/0 است، يعني 5/48% از تغييرات متغير وابسته توسط متغيرهاي وارد شده در مدل قابل توضيح است. برای بررسی خودهمبستگی در مدل نیز از آزمون دوربین- واتسون استفاده شد. به طور کلی اگر این آماره بین 5/1 تا 5/2 باشد یعنی مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. در برآوردهای اولیه به دلیل پایین بودن ضریب دوربین- واتسون که بیانگر وجود مشکل خود همبستگی در مدل بود، از روش AR مرتبه اول در نرم افزار EViews برای رفع مشکل خود همبستگی استفاده شد. ضریب دوربین- واتسون در مدل برابر 98/1 و بیانگر عدم وجود مشکل خودهمبستگی در مدل است.

همچنین با استفاده از آزمون White در EViews همسانی واریانس­ها (ثابت بودن واریانس­ خطاها) نیز بررسی شد که نتیجه آن بیانگر وجود مشکل همسانی واریانس­ها در مدل بود (نگاره 4).

## نگاره 4- آزمون وایت- فرضیه اول

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آماره آزمون | سطح معناداری | نتیجه |
| 84/1 | 0105/0 | وجود مشکل همسانی |

منبع: یافته های پژوهش

بنابراین مدل مجدداً با استفاده از تصحیح وایت (برای برطرف کردن مشکل همسانی) برآورد گردید که بدین ترتیب این مشکل رفع شد. نتایج ارائه شده در نگاره (3) مدل نهایی و با استفاده از تصحیح وایت می‏باشد.

## آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: قابلیت مقایسه حسابداری تأثیر مثبت معنی­داری بر مدیریت سود واقعی دارد.

نتايج حاصل از آزمون­هاي چاو و هاسمن برای انتخاب مدل مناسب در نگاره (5) ارائه شده است.

## نگاره 5- نتايج آزمون‌ انتخاب نوع مدل فرضیه دوم

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| آزمون | آماره آزمون | معناداري | انتخاب مدل |
| آزمون چاو | 23/1 | 27/0 | اثرات مشترک |
| آزمون هاسمن | --- | --- |

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نگاره (5) و نتیجه آزمون چاو مدل اثرات مشترک براي این فرضيه انتخاب مي‌شود. بنابراین دیگر نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست. نتايج حاصل از آزمون بر اساس مدل اثرات مشترک در نگاره (6) ارائه شده است.

## نگاره 6- نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون فرضیه دوم

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغيرها | ضرايب | آماره t | معناداري |
| قابلیت مقایسه | 515/0 | 769/1- | 041/0 |
| اندازه شرکت | 87/36 | 493/1 | 040/0 |
| نسبت ارزش دفتری به بازار | 96/17 | 906/2 | 009/0 |
| بازده داراییها | 305/4 | 589/2- | 067/0 |
| اهرم مالی | 56/12 | 177/2 | 006/0 |
| جریان وجه نقد عملیاتی | 02/21 | 205/2 | 002/0 |
| انحراف معیار فروش | 97/37 | 245/2 | 058/0 |
| متغیر زیاندهی | 50/98 | 612/1 | 076/0 |
| بازده سهام | 36/24 | 050/1 | 137/0 |
| سهامداران نهادی | 52/824 | 276/3 | 000/0 |
| مقدار ثابت | 877/1 | 707/2 | 000/0 |
| AR(1) | 215/1 | 040/3 | 000/0 |
| آماره F: 4/382 | | معناداري آماره F: 000/0 | |
| ضريب تعيين: 601/0 | | دوربين- واتسون: 08/2 | |

منبع: یافته های پژوهش

همانگونه که مشاهده می‏شود، سطح معناداری آماره F برابر 000/0 و بیانگر برازش مناسب مدل رگرسیون است. همچنین، معناداری مربوط به متغير مستقل قابلیت مقایسه برابر 041/0 وکمتر از سطح خطای 5 درصد و در نتیجه معنادار است. ضریب متغیر قابلیت مقایسه نیز مثبت و برابر 515/0 می­باشد که به مفهوم داشتن تاثير مستقیم بر متغیر وابسته مدیریت سود واقعی است. بنابراین فرضیه دوم پذیرفته می­شود. مشابه با مدل فرضیه اول، درمدل فرضیه دوم نیز از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به بازار، اهرم مالی، جریان وجه نقد عملیاتی و سهامداران نهادی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود واقعی دارند و سایر متغیرهای کنترلی معنادار نیستند.

همچنين در اين مدل ضريب تعيين برابر 601/0 است، يعني 1/60% از تغييرات متغير وابسته توسط متغيرهاي وارد شده در مدل قابل توضيح است. در برآوردهای اولیه به دلیل پایین بودن ضریب دوربین- واتسون که بیانگر وجود مشکل خود همبستگی در مدل بود، از روش AR مرتبه اول در نرم افزار EViews برای رفع مشکل خود همبستگی استفاده شد. ضریب دوربین- واتسون در مدل برابر 08/2 و بیانگر عدم وجود مشکل خودهمبستگی در مدل است.

همچنین با استفاده از آزمون White در EViews همسانی واریانس­ها (ثابت بودن واریانس­ خطاها) نیز بررسی شد که نتیجه آن بیانگر وجود مشکل همسانی واریانس­ها در مدل بود (نگاره 7).

## نگاره 7- آزمون وایت- فرضیه دوم

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آماره آزمون | سطح معناداری | نتیجه |
| 01/2 | 008/0 | وجود مشکل همسانی |

منبع: یافته های پژوهش

بنابراین مدل مجدداً با استفاده از تصحیح وایت (برای برطرف کردن مشکل همسانی) برآورد گردید که بدین ترتیب این مشکل رفع شد. نتایج ارائه شده در نگاره (6) مدل نهایی و با استفاده از تصحیح وایت می‏باشد.

## بحث و نتيجه‌گيري

در مديريت سود از طريق دستكاري اقلام تعهدي اختياري، مديران بايد رويه­هاي حسابداري متفاوتي انتخاب كنند كه در ظاهر، قابليت مقايسة ارقام حسابداري را مخدوش مي­كند، اما چنانچه مديران از روش مديريت سود بر مبناي اقلام واقعي استفاده كنند، در حقيقت مديريت سود انجام داده اند، بدون اين كه نيازي به تغيير روش حسابداري داشته باشند. به اين ترتيب، انتظار مي­رود در شرايطي كه مديران به دنبال حفظ منافع حاصل از ويژگي قابليت مقايسة اطلاعات حسابداري براي شركت خود هستند، كمتر از مديريت سود بر مبناي اقلام تعهدي اختياري استفاده كنند و به عنوان رويكرد جايگزين، بيشتر به سمت استفاده از مديريت سود بر مبناي اقلام واقعي گرايش پيدا كنند. بر همین اساس فرضیه اول تحقيق رد و فرضيه دوم تاييد شد. این نتیجه مطابق با يافته های پژوهش کوهن و همکاران [12] و سون [26] است. به عبارتی، با افزايش قابليت مقايسه پذيری، بين گزارش های مالی شرکت ها، امکان انتخاب و تصميم بهينه برای سرمايه گذاران بيشتر فراهم می شود؛ بنابراين، مديران برای اينکه تصوير مطلوب تری از عملکرد شرکت خود ارائه دهند، اقدام به مديريت سود واقعی می کنند؛ زيرا مديريت سود واقعی از طريق فعاليت های واقعی مانند بهای فروش، شرايط اعتباری، ميزان توليدات و هزينه های پژوهش و توسعه نسبت به اقلام تعهدی حسابداری انجام می گيرد و کشف آن دشوارتر از مديريت سود اقلام تعهدی است. با توجه به اينکه قابليت مقايسه، سرمايه گذاران، سهامداران و کليۀ ذی نفعان را در راستای تصميم گيری کمک فراوانی می کند، وقتی قابليت مقايسۀ صورت های مالی بيشتر می شود، ميزان استفادۀ گزارش های مالی به وسيلۀ سرمايه گذاران بيشتر می شود و آنان بيشتر بر عملکرد جاری شرکت در اتخاذ تصميمات اقتصادی آتی اتکا می کنند؛ از اين رو، مديران بيشتر انگيزه می يابند که اقدام به مديريت سود از طريق فعاليت های واقعی کنند تا بتوانند عملکرد شرکت را بهتر جلوه دهند و با ارتقای جايگاه شرکت بين سهامداران که منجر به افزايش داد و ستد سهام و نقدشوندگی می شود، امکان تخصيص منابع را برای شرکت فراهم سازند. پژوهش حاضر نشان می دهد در بين شرکت های ايرانی پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نيز اين تأثيرگذاری برقرار است.

### پيشنهادهاي حاصل از يافته‌هاي پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد هرچند قابلیت مقایسه رابطه معناداری با مدیریت سود از نوع تعهدی ندارد، اما موجب افزایش مدیریت سود واقعی می شود. بنابراین الزامات افشای اطلاعات در راستای افزایش قابلیت مقایسه شرکتها موجب عدم انجام مدیریت سود توسط مدیران شرکتها نشده است. بنابراین به مسئولان سازمان بورس و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری پیشنهاد می شود در راستای حفظ بهتر حقوق سرمایه گذاران و افشای بهتر اطلاعات، تصمیماتی در راستای بهبود قابلیت مقایسه اطلاعات شرکتها اتخاذ کنند.

به سرمایه گذاران و تحلیلگران مالی پیشنهاد می شود که در بررسی این که آیا مدیر به مدیریت سود روی آورده است یا خیر، به هر دو نوع مدیریت سود واقعی و تعهدی توجه کنند، چرا که مدیران از این دو نوع مدیریت سود به عنوان جایگزین یکدیگر استفاده می کنند.

## محدودیت­های پژوهش

در انجام هر پژوهش محدوديت­هايي بر سر راه پژوهشگر قرار مي‌گيرد که اين پژوهش نيز از آن مستثني نيست. در زير برخي از عمده­ترين محدوديت­هاي اين پژوهش بيان مي‌شود:

1. تفاوت در روشهاي حسابداري شركتها و بندهاي شرط حسابرس و تعديلات سنواتي در گزارشات مالی شرکتها وجود دارد که محقق نتوانسته است سود شركتها را از بابت اين موضوعات تعديل كند. لذا این تفاوت در روشها یک محدودیت می باشد.
2. تورم به عنوان یکی از شاخص­های اقتصاد کلان، بر ارقام صورت­های مالی شرکت­ها تأثیرگذار است. با توجه به عدم وجود استانداردهای حسابداری الزامی جهت تعدیل صورت­های مالی، وجود تورم و عدم انجام تعدیلات لازم، ممکن است نتایج پژوهش را که با استفاده از صورت­های مالی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی بدست آمده­اند خدشه­دار نماید.

**منابع**

1. احمدپور، احمد و هادی منتظری. (1390). نوع مدیریت سود و تأثیر اندازه­ی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن. *پیشرفت­های حسابداری*. سال سوم، شماره 2، صص 1-35.
2. انصاری، عبدالمهدی، مصطفی دری سده و مسعود نرگسی. (1392). بررسی تأثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران*. مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد،  <https://www.civilica.com/Paper-IAAC11-IAAC11_078.html>
3. پورعبداله صوفحسن، زهرا، یونس بادآورنهندی و رسول برادران حسن زاده. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام. *اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت*. شیراز، موسسه بین المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی. <https://www.civilica.com/Paper-FNCAM01-FNCAM01_138.html>
4. فروغی، داریوش و پیمان قاسم زاد. (1394). تأثیر قابلیت مقایسه صورت­های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی. *فصلنامه علمی-پژوهشی* *بررسی های حسابداری و حسابرسی*. سال بیست و دوم، شماره 4، صص479-500.
5. فروغی، داریوش و پیمان قاسم زاد. (1395). تأثیر قابلیت مقایسه صورت­های مالی بر همزمانی قیمت سهام. *پژوهش­های حسابداری مالی*. سال هشتم، شماره 27، صص 39-54.
6. فروغی، داریوش و هاجر محمدی. (1390). چگونگی ارتباط تامین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود. *مجله پژوهش­ حسابداری*. سال یکم، شماره 1، صص137-154.
7. مشایخی، بیتا و میرحسین حسین پور. (1395). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شر­های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی*. سال دوازدهم، شماره 49، صص 29-52.
8. مهرورز، فاطمه و محمد مرفوع. (1395). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت­های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*. سال دوازدهم، شماره 49، صص 83-110.
9. نوروش، ایرج، سحر سپاسی و محمدرضا نیک بخت. (1384). بررسی مدیریت سود در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. سال بیست و دوم، شماره 2، صص 165-177.
10. Badertscher, B. A. (2011). Overvaluation and the choice of alternative earnings management mechanisms. *The Accounting Review*, 86(5), 1491-1518.
11. Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, *35*(1), 164-202.
12. Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods. *The accounting review*, *83*(3), 757-787.
13. Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of accounting and Economics*, *50*(1), 2-19.
14. Dechow, P. M., & Skinner, D. J. (2000). Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting horizons*, *14*(2), 235-250.
15. De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, *49*(4), 895-931.
16. Evans, M. E., Houston, R. W., Peters, M. F., & Pratt, J. H. (2014). Reporting regulatory environments and earnings management: US and non-US firms using US GAAP or IFRS. *The Accounting Review*, *90*(5), 1969-1994.
17. Ewert, R., & Wagenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, *80*(4), 1101-1124.
18. Gunny, K. A. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, *27*(3), 855-888.
19. Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting horizons*, *13*(4), 365-383.
20. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of accounting and economics*, *39*(1), 163-197.
21. Magrath, L., & Weld, L. G. (2002). Abusive earnings management and early warning signs. *The CPA Journal*, *72*(8), 50.
22. Mitra, S. (2002). The impact of institutional stock ownership on a firm's earnings management practice: an empirical investigation. LSU Doctoral Dissertations. 319.   
    https://digitalcommons.lsu.edu/gradschool\_dissertations/319
23. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of accounting and economics*, *42*(3), 335-370.
24. Schipper, K. (1989). Earnings management. *Accounting horizons*, *3*(4), 91.
25. Shane, P., Smith, D., & Zhang, S. (2014). Financial statement comparability and valuation of seasoned equity offerings. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2372965> or [http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2372965](https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2372965)
26. Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, *35*(5), 513-539.
27. Sun, L., & Rath, S. (2008). An empirical analysis of earnings management in Australia. School of Economics and Finance Working Paper Series: no. 08:05, Curtin University of Technology, School of Economics and Finance.
28. Thomas, J. K., & Zhang, H. (2002). Inventory changes and future returns. *Review of Accounting Studies*, *7*(2-3), 163-187.
29. Yoon, S. S., & Miller, G. A. (2002). Cash from operations and earnings management in Korea. *The International Journal of Accounting*, *37*(4), 395-412.
30. Yu, F. F. (2008). Analyst coverage and earnings management. *Journal of financial economics*, *88*(2), 245-271.

**The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management**

**Abstract**

The purpose of this research is to investigate the effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. The accounting comparability feature is a unique qualitative feature that increases its financial information. It is important to examine the factors associated with earnings management and quality characteristics of information. In this research, information on 114 companies listed in the Tehran Stock Exchange for the years 1388 to 1395 was compiled. To measure the accrual-based earnings management we used the Kothari (2005) model, to measure the real earnings management we used the Roychowdhury model (2006) and to calculate the accounting comparability we used the De Franco et al. (2011) model. The results of this study showed that the accounting comparability has a significant positive effect on real earnings management. Compared to the comparative capability, there is no significant effect on accrual-based earnings management. Therefore, when high-performance of accounting comparability information is presented by managers, their behavior in accrual-based earnings management is not limited, but they are intended to do real earnings management.

Keywords: accounting comparability, accrual-based earnings management, real earnings management.

1. Financial Accounting Standards Board (FASB) [↑](#footnote-ref-1)
2. International Accounting Standards Board (IASB) [↑](#footnote-ref-2)
3. SIC [↑](#footnote-ref-3)